

Scan: <http://www.new.dli.ernet.in/>

PDF: <http://www.KetabFarsi.com>

## بحث در آثار و افکار و اسناد سافل

جلد اول

تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارس و مضائق و ایالات  
مجاوره در قرن هشتم



تألیف

دکتر قاسم غنی

بانضم حواشی و فهارس سه گانه

علاوه مددوده بعلم حضرت امداد عالیه آفای محمد فروتنی

در ۱۰۰ به راه دان اردن در طبران در سه هزار و سهصد و سه و نیم و نیم هزار و سهصد و شصت و نیم هزاری هجری هجری سهادع رسید.



## جلد اول

### پیغام حضرت استاد علامه آقانی محمد قزوینی

قریب «بیجده سال قبل در اواسط سنّه ۱۴۰۰ هجری شمسی (ژانویه ۱۹۸۲ میلادی) این جاپنی برای اواین دار با دوست فاضل او جهند خود آقای دکتر فاسی غنی مؤلف کتاب حافظ در پاریس آشنائی پیدا کردم، آقای دکتر غنی که اکنون از اطبای بسیار مشهور طهران میباشد و کمتر کسی است از اهالی طهران و مخصوصاً از طبقه خواص که اشاره اش نشاند، کما بیش از اشان حیری نداشته باشد در آن تاریخ که من ایشان را برای اولین مرتبه در مارس دیدم جوانی بودند قریب العهد بفرانگ از تحصیلات طبی و فقط منج شش سالی بود که با خذ ایندیختن درجه دکتری در مطب از مدرسه امریکائیها در بروت نادل آمدند بودند.

در همان جلس اول آشنائی من از هوش سرشار و ذوق سالم و ذهن مستهیم و لذتگذاری عجیب اشان در راه کسب معارف و مخصوصاً اعلاءات ادبی و تاریخی که در طاهر امر خارج از دامنه تخصصات خصوصی اشان یعنی طب منظر میآمد سمار تمپس کرد و من احتمال ممکن این همه شوف و ولع و عطش اشان در راه کسب معارف و تکمیل نهض کردیدم و خودم اشدا سا نه دون اینکه از طرف ایشان اغلبهای شود نشتهاد کرد که ۱ گز مدل دارید ممکن است این جلسات فاونده را در مدت اقامتشان در بارس متعدد و منظم «ائمه ناس» منی که هفته تکرار بدون این که هر دفعه قبل احتیاج تحسین وقت ناشیم در روزهای معین و ساعات معدهن مکدیکردا ملاقات و از هر دری باهم صحبت ننم، ایشان نه طلب خاطر این بیشههاد را پذیرفده از آن بعد در تمام هدست افاقت هیچدهه عاهه ایشان ندواده، من اما اشدا هفته مکاره، هددها هفته دو ما، یکی از های منزل دوگری رویه و هر دفعه بهادر شیخ ساهمی از هر چنده له و غردو صویی باهم گفتار میدارد.

محفل عصده سعدیت‌های اما در این مجلس غالباً مواضع ادبی و فلسفی و مذهبی و شعر و حکمت و عرفان و امثال این مباحثه بود و از جمله خلاصه سعدیت‌های نکی خواهش از این جلسات را برای اینکه خواننده داعی‌وری اجمالی از نوع مفاهیمات بیان نموده است آید فیلاً لعل عیکنم

یادگاریم که روزی صحبت از شعراء ایران رسانی‌آمد، آقای دکتر غنی از من پرسیدند بعقیده‌شما بزرگترین شعراء فارسی زبان کیانند، چنین که معلوم است شعرداری دو شخص است یکی لفظ و دیگری معنی و شاعر مطلق و استاد ماهر کسی است که مراعات هر دو جنبه لفظ و معنی را بعد اعتدال بیناید و در هیچ‌یک از آن‌دو راه افراد یا افراد پیغمبر باشند که به در جانب تحسین لفظ و ازین عبارت بیش از حد نزوم واستعمال شناخت لفظی بدین از قبل تجذیب و اشتقاق و شبہ اشتقاق و ترجیح و تکریر و قلب و تمجیف و توشیح و سیاقه الاعداد و نزوم علاوه‌بازم و حروف عطال و متقطع و حروف متصل و متصل و امثال ذالم از اموری که بسرگردی‌ها نودان پیشتر شماهست دارد تا شرایط فساحت نظم و نثر اشخاص بالغ جدی<sup>۱</sup> پردازد و نه در تحسین جانب معنی بواسطه توعل در تخلیلات باریک و مضامین بیچاییچ در تسبیبات پسپار دقیق و اشارات بعید از افهام هورث تعقید کلام و تاریکی محله و اعمال فکری هستیم درای حدس زدن معنی کرده (هائند اشعار شعراء معروف به «هندي»)، نادر افراد در مکار مردن شناخت معنوی بدین او قابل تعلیم و طلاق و ایهام و ایهام و تفریج و استظراد و تامیع و جمع و تقسیم و امثال ذالم هوجبات

(۱) در ازدواج این نوع سرگردیها و مشهودیها را که ما آنکمال‌طمطرانی «شناخت لفظی ترجیح» هی امید فقط در روزی‌باده همانی که مخصوص اطفال و شاگردان مدارس است طرح می‌کند و اطفال برای سلیمانی‌های ادعا می‌کنند و خرابید ملک کوره برای سلیمانی‌ها معین کرده اند نایکدیگر مساقه بوده اوقات فراغت خود را احوال‌دادن آن سؤالات می‌کنند و بهم وجه اشعار برداشت (عنی از جای سر) وحدتی وقت خود را در اشغال ناین امور بیکاره او قبول حاصل ری قلب و تصحیحه و ترجیحه و توشیحه و امثال ذالم تلف می‌کند و اصلاً و اندالین نوع باریجه‌ها خرو شناخت مدعی و معمای افعانی مخصوص بیشود و مجال است که در هیچ بطبعی یا سری این میل طبع آرمانیها دیده شود

سکینی عبارت و خستگی و ملال طبع مستمع را فراهم می‌زد<sup>۱</sup> چه پر واضح است که هر یک ازین صنایع معنوی بدیع را که به تنهاشی یا با یکی دو صنعت دیگر نامهارت و استادی بکاربردی املاحت کلام است ولی افراط و اکثار از آنها و مخصوصاً فرا کم عده از آنها دریست و احمد یا در ابیات هتقاربه موجب ظهور آثار نهابت تکلف و تعدد بروجذات شعر و در تبیجه مورث کلال و ملال مخاطب خواهد بود.

جمعیت شعرا درجه اول<sup>۲</sup> زمان فارسی اگر نیک در آثار ایشان تأمل کرده شود واضح خواهد شد که کسانی بوده اند که علاوه بر استعداد ذاتی وطبع خداداد این نکته را یعنی مراعات تعادل بین جنبه لفظ و معنی و عدم تجاوز بدو طرف افراط یا تقریط را در آن باب کاملاً رعایت کرده اند<sup>۳</sup> ولی مهدالک اشاره اند کرده بدلی متمایز از یکدیگر میتوان تقسیم نمود:

گروه اول آهائی اند که اشاء ایشان بکلی ساده و طبیعی و بدون آرایش صوری و تزیین عبارت و دور از هر گونه تصنیم و تلائفی بوده است و بیرامون صنایع بدیع و تأثیرات شعری معمول متسلطان و هنآخرین مطلعها هیچ تکریبی نداشت<sup>۴</sup> و مخصوصاً صنایع لفظی مگر آن صنایعی که بکلی طبیعی و خود بخود آمده باتد<sup>۵</sup> و مخصوصاً صنایع لفظی بدیع را ارقیل جناسات و اشتقاق و شباهت‌تفاق و لر و مالایلزام و موازنه و ترصیع و قلب و تصحیف و صحو دلک که میتوان گفت مطلعها و اصلاً در اشعار ایشان اثری از آنها بهیچوجه من الوجوه یافت نمیشود مگر مخصوص شحو اهراق و تصادف و تصادف و بدون هیچ کویه قصیدی و تعمدی از طرف ایشان ( تعییر و روید صنعت قلب در آن شربه کل <sup>۶</sup> فی فلك که مدبهی است بکلی تصادفی صرف بحث است نه ارزوی تمهذ بکار مردن صنعت هذکور )<sup>۷</sup> مثال نمایان این نوع از شعرا اولاً فردوسی و حسام و فاصر خسرو و مولانا جلال الدین رومی است<sup>۸</sup> و دیگر عالی شعرا مسافر قدیم و معاصر سعهاریان و سامهایان و اوایل عرب‌وان مانند حمعله ناد عیسی و فیروز مشرقی و ابوالموّبد بلخی و شهید بلخی و رودنی و ابوشکور بلخی و دقیقی و رابعه قرداری بلخی و ابوحنادر خسرو وانی



پس ازین تقریب آفای دکتر غنی سوال کرده که اگر فرضاً بخواهیم ماین این همه اساتید درجه اوّل از هر صنف و هرگروه از متقدمین و از متأخرین باز انتخاب کنیم و بزرگترین این همه بزرگان را در مقابل انتظار جهابان و ملل سایرها نمایش دهیم کدامها را شما انتخاب می‌نمایید؟

گفتم جواب این سوال قریب است که تقریباً با تفاوت آراء داده شده و این مسئله بکلی مفروغ عنده است و با وجود اختلاف اهیال و اهواء ناس و نیاں اغراض مردم در غالب امور همه تقریباً در من مسئله متفق اند که بزرگترین شعراء فارسی زبان بعد از اسلام تاکنون (هر یک در نوع خاص خود) این شش نفراند: فردوسی و خیام و اوری و مولوی و سعدی و حافظ، و بعقیده این شعیف میتوان حکیم بزرگ ناصر خسرو را نیز با کمال اطمینان بر این شش نفر اضافه نمود چه جمیع خصوصیات و مزایا و هنرها و میزدات فتی که آن شش نفر را در صفت اوّل شعراء فارسی زبان قرار داده کاملاً و من جمیع الوجوه در شخص ناصر خسرو نیز موجود است و هیچ تعاملی و تفاوت درجه ماین او و ایشان ازین حیثیات نظر نمی‌آید وجود داشته باشد، و فقط چیزی که در حقیقت این قرون گذشته هم اورا بر سر زبانها در عرص نام ایشان کمتر آورده و اندکی اورا اسبیت باشان در پرده خغا و خمول نگاه میداشته همانا مدون شان جنیه دعویت دنی و نیمی مذهبی اشعار اوست و سبب بطریقه اسماعیلیه و امامت مستنصر بالله خلیفه فاطمی مصر که ارا می‌گذرد احاطه عموم مسلمین فارسی ریان خواه شده اثناعشریه که از عهد صفویه بعد آذیرت جمیعت ایران را تشکیل می‌دهند و خواه اهل سنت و جماعت که تائید صفویه مذهب رسمی غالب سکنه این سر زمین بوده است از حفظ اشعار و تعاطی آثار و افکار او تا درجه محترم و مجتهد می‌بوده اند و عموماً نیست بدین تأذیله نظر سوی طن می‌نگریسته اند، و اگر از این نکته بخصوصاً صرف بطریقه اسماعیلیه ناصر خسرو بعقیده امن صعیف هیچ دست کمی از اساتید شنی گایه مذکور ندارد ( ولی شاید حافظ را ناید استئنا بهائیم).

2

باز آنای دشتر غش پنهانکاری خود ادامه داده گفتند اگر فرضی کی از ملل خارجه هنلاً الکلس بغا پیشنهاد نشند که ما بخواهیم از هر یک او ملک روی زمین مرد کثیرین شاعر آنها را به متفاق آراء خودشان دارای این سمت باشد .. ولی همه ملک های را به شفر - انتخاب (رد) مجسمه اورا بر قریب و در مرکز مانع های بارگاه شور آنها نسبت نهادم شما شخصیاً شاعر را همین امن شنی نفر مدبور نه عده ای داشما (و همه ده لذت مردم) اشعر دعاوه ابراند انتخاب خواهد برد؟

جواب دادم بعد از آن جایی هم که نیاز نداشتم مطابق بفرازه ای داشتم تا عملیه  
در لای این را و همچوین قشلاقی هر امر ای که یافارسی هدایت شده باشد را به اسلهه بر جمدهای  
دارم، با اشعار حواود آشناهای پردازد هاشد ما بین چونچو شعراء در خدمه اول روان فارسی  
نه اسامی خوده داشتند از اینها خدمت سرگلار عرض شدند و آسمانی بهم داده باشد لاله  
آتشی آنکه و مطمئنان شعر را مجهول همانم بدون همچو اسننه آشناهی داشتند اشعار او  
و همچو همچو محسن لطفی و معنوی شعر و جمیع مزاهاي صورتی در خدمه ای دلام هایم  
و همود او نویسنده های ادبی و اخیرین و املاج شعراء مقدمه و مهارتان اسره  
..... مسایر این و در اول شعر در حمام آنها بدر مشان است دست دارد و همچو  
ای بیان چنانچه شاعر عرب، نعمت

هی المشهور بـ<sup>۱</sup> ملکه و الـ<sup>۲</sup> ملکه، کواید ادا هنری ام ۱۹۰۰ شنیده‌اند. این هنری در دهه ۱۹۰۰ میلادی، چو احمد شیرازی شاعر ایرانی بود که در آن زمان می‌توانست شعر را با ادبیات فارسی و ادبیات عربی تواند در یکجا بخواند، او این ایده را در میان شاعران ایرانی پیشگفت. این ایده را او در میان شاعران ایرانی پیشگفت و این ایده را در میان شاعران ایرانی پیشگفت. این ایده را او در میان شاعران ایرانی پیشگفت و این ایده را او در میان شاعران ایرانی پیشگفت.

(۱) ماد پارک از ناغهای معروف تهدیت است و سما رودگار را بجهات و گردشگار اموزی ای تهر و در همه عرض ایند، وایم است  
(۲) پله امر در سه هشتاد و هشتاد و ده سال ساخته شده و داشت ساختمان در سه هشتاد و بیست و دو بونه بس ام، فقط سه و سعی سال سدار و قابله حافظه و ولد شده و ملای از دنایی را ۵۰ ساعتا را داده اند، آنها شده و داده در بهارستانی در شرح احوال اسلام محمدی گفته و سعی مبارکان شد، شرح ایمان و سعادت غردو رسیده بودند چند فرموده اند که شرح از شعر وی، به دو آنچه به لذت سدهم باشد

اعجاز است<sup>۱</sup> و وجود او به فقط باعث افتخار ایرانیان بلکه هایه مباهات نوع بشر است<sup>۲</sup> و فی الحقیقہ اگر هرچند کاهی در جلی قرون وادوار و تعاقب دهور و احصار یکی ازین وجودهای خارق العاده که مظہر العالف رحمانی و مهیط فیوضات روحانی و صفات نوع انسانی آن از کتم عدم بعرصه وجود قدم نهادندی و این دنیای تاریخ زشت را بظهور سراسر سرور و حبور خود میان دهور نساختندی و با فکار و آثار و اقوال و افعال و دغناک و کردار و گفتار خود نوع ضعیف انسان را هایه سلوتی و اسوئی فراهم نساختندی هر آینه مرد خردمند را از زندگی در این غمگینه خراب آباد و معاشرت با ابناء لئام او غاد این گند پیر عروس هزار داماد بلکه شکه و غار بودی و عدم هزار بار اورا از این وجود خوشنز نمودی و نوع بشر را از آلام و مصائب این دار پرخون و لکر اصلا و ابدا دلخوشی و سلوتی بدهست بودی.

آقای دکتر غنی یا از بابت حسن فلن بدون استحقاق سبب ناین جانب نادر اثر توافق سلیقه طرفین در اینکوبه مسائل جمیع آراء و عقاید سکارنده را واجع بشعر و شعر و تفاوت درجات ایشان و مخصوصاً در آنچه راجع محافظت خدمت ایشان عمر من گردد بودم کاملاً یستنیدیه تهدیدیه کردند و در کلیه مطالب مذکوره مسیحها و اصحاب آن از باب معامله و مهاده دیدم که نامن بکلی توافق عقیده دارند.

در جلسه بعد آقای دکتر غنی باز دنمه الله صحبتهای جلسه قبل را اگر قته فرمودند: در حقه گذشته صحبتهای شما همه از شعراء درجه اول بود حال میخواهم بدانم عقیده شما در مباحث شعراء درجه دوم و سوم و همانجا پیالیں جیست و کدامها ازین شعراء را بعقیده شما شخص ناید برای مطالعه و حفظ انتخاب نمایند و کدامها را کنار نگذارد؟

(۱) هین عبارت جامی ایشت «حافظه شیرازی رسالت»، اکنون اشمار وی لطیف و مطبوع است و حضی خوب سرحد اعجاز هنریات وی سمت پژوهیاب دیگران در سلاست و روانی حکم صابد طبیعت دارد نست یقیاند دیگران و سلیقه شعر وی بر دیگر است مسلم شعر بزاری قهستانی اما در شعر بزاری هش و سیی سیار است احلاف شعر وی و حون در اشعار وی اثر تکلف ظاهر نمود وی را لسان القلب لقب کرده اند <(پارستان حامی در دروسه ششم)>.

چواب دادم اغراضی و مقاصد در مطالعه اشعار شعر این قایت مختلف است، برای  
سیاری از اشخاص غرض اصلی از تئیم دواوین شعرانه جنبه دو فی و سی ط و نمای ار آن  
اشعار است بدله مقصد عمده اشیان استفاده های دیگری است، مثلاً کسی که در مقدمه  
کتاب این در محو و صرف زبان فارسی با کسی که مشغول تألیف فرهنگی جامع  
باشد، اهدای است برای کسان زبان <sup>۱</sup> ما دی که دست بطری بالف (تاتی) است در ناریخ  
آدوات زبان فارسی، مقاصد این سه بصر از تئیم و سیمیج دواوین شعر این شرقی دیگری  
ای، استفاده از فواید بحومی و سرفی مستنبط از آن اشعار ای، دیگری چشم در دن  
و اهدای این مستنبط الای ما شدت معانی کامانی که در فرهنگی حدود فراهم آورده،  
بسوی این لای از در حات بیوای، زبان فارسی و ته را در مدلات خاصی بر آن زبان در  
ای، هر دو گردید، از هم، ملاهر زبان و مهتر زبان و ساهه زبان الی بوندا هدای دیگری این  
اشخاص مساوی دی جات شعر الی که اشیان با اشعار اشعار ای شیوه میگردید هر دی سلطنت  
همیں و ندر که این اشعار از حده عجیب بعنی از حب مطالعه میگردید صریح و  
جهوی، امهی زمان و مدة مداشته را دی بعنی از شاعر معروف باید نایی بحی مصالح  
حاجها، در زان خود ناشد ای شیوه با اشعار اشعار ای مطلع دی این مؤلفین بیوای  
۱۷۷۷ فوج، میعار در میتوت ای، داد آن سام، او شیرا، در حه اول ای، دی  
او شیرا، دی جد دیم، سوم الحج،

و دندری اینها کی ۱۰ میلادی ساده‌ترین نظرخانه ای است این جهت سه حقیقت است:

- (۱) ما در دوستی داشتم داشتم تا آنای طی اکبر دفعه‌ای همان "دانه" العالی را در سی سال پیش از ۱۵۷۹ مشغول بزم او در مواد فرهنگی حاصل کرد و رایی این خارجی نا شواهد از این ماده از دفعه‌ای هم این ارجمندی خوبی نامعتبری داشتند و مادرانه مذکور از این امور را فهمیدند و در این موضع جمع آوردند و اکبر روزی از شاهزاده اسپهاب مساعی نداشتند و این مساعی داشتند و این مساعی از این موقعاً مزبور شدند و با اینسان مبتلا شدند که درگاه درین وحدهای دینی می‌بود و کی این عامل موافق آمد و او مدت از اسلام ۱۰۰۰ میلیون رایی داشتند خارجی موافق این موقعاً بود و گه اعتماد و از دیدگوار سب شد ماقبل این امر دندری شفاعة داشت و

لابد برای جمع آوری بعضی اطلاعات و معلومات راجع به بعضی شعراء معموراً بدروایین ایشان رجوع خواهد کرد تا پاره اشارات تاریخی راجع باوضاع و احوال شاعر مفروض دندوین او و عصر او و محل نشو و نهای او و غیر ذلك از جزئیات بدست بیارد چنانکه بسیاری از مستشرقین اروپائی در خصوص بعضی شعراء فارسی زبان این کار را دردهاند هملاً (ولد که) آلمانی راجع بفرهنگی و (اینه) آلمانی راجع برودگی و کسانی و (زو کوفسکی) روسی راجع بانوری و مرحوم (ادوارد براؤن) انگلیسی راجع بنام خسرو و (خانیکوف) روسی راجع بخاقانی و جمع کثیری از ایشان راجع بهیام و خود نگاریده این سطور راجع بسعود سعد سلمان و شیخ عطار وغیر آندو، برای چنین کسان بیز تفاوت درجه شعراء منظور ایشان در رتبه واضح است که بهیچوجه فرقی و تفاوتی نمیکند چه غرض اصلی ایشان مجرد جمع اطلاعات تاریخی و رجالی است راجع بآن شعراء خوبی و بدی اشعار ایشان

و همچنان مورخی که بعضی از منظومه های تاریخی از قبیل منظومة شمس الدین کاشانی در تاریخ سلطان اولجايت خدابنده<sup>۱</sup>، یا (شهنشاه نامه) احمد تبریزی در تاریخ مغول از چنگیز خان تا ابوسعید<sup>۲</sup>، یا (ظفرنامه) حمدالله مستوفی در تاریخ عرب و ایران و مغول محتوی بر ۷۵۰۰۰ بیت در تحریر متقارب<sup>۳</sup>، یا (تیمور نامه) هانقی در تاریخ امر تیمور گورکان، و سایر منظومه های از این قبیل رجوع مینماید واضح است ده عرس او از اینکار فقط استفاده تاریخی است و کاری خوبی و بدی آن اشعار مدارد و برای او بیز تفاوت رتبه شعراء صاحبان آن منظومه ها اصلاً وابدا هیچ اهمیتی ندارد مثل همان طفرنامه مشاور ایه حمدالله مستوفی که اشعار کتاب مندور از حیث شعر مت چندان قابل ملاحظه نیست بلکه بسیار سمت و معیف بیز نظر می آید ولی معاذل از حیث موضوع یعنی او لمحاظ جنسه تاریخی کتاب مندور بهخصوص قسمت اخر آن که عبارت است از بیست و پنج هزار بیت در تاریخ مغول چون

(۱) رجوع شود فهرست سمع فارسی انتاگها، ملی یاروس نالیف ادگار جلوشه جلد سوم ص ۱۸۰، (۲) رجوع شود بذل فهرست سمع فارسی موره مرسابه نالیف ویوس ص ۱۲۵، (۳) رجوع شود بهمن دبل مدلود از دیو ص ۱۷۲ - ۱۷۴



دین و روز و هعرفت که سخنداں سچ گوی برسلاج دارد و کن در حصار بیست پس بنا بر این انسان عاقل که قدر وقت را میداند باید این دقایق کوتاه عمر خود را که هیچ عومنی و بدلی برای آن منصور نیست در چیزهایی صرف نماید که حائز درجه اول از اهمیت با فایده بالطف و زیبائی نباشد، و اگر این اصل را هسلم داشت پس باید در جایی که آثار و افکار و اشعار امثال رو دنی و دقیقی و فردوسی و عمری و فرمخی و منوچهری و تاصر خسر و خیام و معزی و سعائی و الوری و خاقانی و طهیر فاریابی و جلال الدین رومی و سعدی و حافظ و ابراهیم ایشان از بزرگترین شعراء درجه اول در میان است اوقات گرایهای خود را که مثل برق خاطف گذرنده است در مطالعه یا بحث و تحقیق و کاوش در اشعار شعرائی هائند از رقصی و درشید و طواط و فرید الدین احوال و نجیب الدین جربادقانی و قوامی کنجه و بدر جاجری و مجدهمگر و امامی هروی و خواجهی کرمانی و سلمان ساوجی و امثال ایشان از شعراء درجه دوم و سوم بیانیں با اشعار شعراء دوره صویه که بزرگترین دوره انحطاط ادبی ایران است از قبیل عرفی شرازی و محتمم کاشی و صالح تبریزی و کلیم کاشانی و طالب آملی و وحید فزوینی و صد ها امثال ایشان که نذکر های متاخرین هائند تذکره طاهر صرآبادی و غیره مشحون از اسامی محظوظ ایشان و اشعار سخیف خنک بی طعم و بوی بی حلاوت بی روح ایشان است بیهوده تلف نماید.

متأثرین مقدمات پس اگر شخص فی الواقع دارای ذوق ادبی و شعری و هنری عالی و شعر هوست و شعر فهم است و میل دارد ه از مطالعه اشعار بهترین شعراء زبان فارسی هستم کردد معنی قصه او از این امر فقط حظّ فسایی و ادبی روحانی و ذوق و وجود دحال است به استفاده های دیگر که در ساقی هدان اشاره شداینچنان کنی عقیده این شعف ناید بدون تردید و بدون تردید فقط و منحصراً بمطالعه دواوین زرگران شرائی داده اول زبان فارسی که حافظ حسن بی هشنه و زیبائی و احباب در چه اینلی و اقصی اند اقتدار نماید و از تبع دواوین شعراء درجه دوم

دستورالعمل مولانا جلال الدین رومی را کار نندد ه فرموده :

“من مُنْدَهْ خوَاهم هرچند ندم کویند نارشت هامزه هرچند آند بیکی

اون بودجه و نهادی دو همکار از هنرمندان سینماهای هفتگی ها له چون ربط مستقیمی  
با موضوع نیافریده داشت آنها به درخواهر هایش بود در اینجا اراده آمد با چنان که  
در اوقی اتفاق شد، بسویی احتمال از نوع صحنه های ها نداشت آند، و ما گفته شدند که  
آنها دلسر خوب، چون همده بجهات طبی ایشان در مدت دش ماه سال تمام ده  
میلی ازدواج هم بلاد خود رهان هنی در دروت انجام ناهمد بوده باش، باست رهان  
روز و ۱۰ حومه همداشد و از این این رهان تا درجه طوفی همچو بودند و اینها  
از هم این رهان و سعی علمی اند، ثمر الاشار (۵) هم از هر ار و سه سال اینها  
بسط هم از هم از عاما در گئی، بوسندگان و شعراء و مؤلفه و در نده و علاوه بر این  
که رهان همکویه بدر عیار ۱۰ هزاری و دارای هر کویه استقلال حاب ملی، اندی و  
نمایند و ب مام این ادب هتلایی بناهه رهان علمی بین المللی جمع بلاد مسافری  
نمایند، از همود شرکی هم ای افاسن بلاد مغرب و آسیای مر دری و آسیای شرقی  
نمایند، این رسیده را در این بlad اسلام ارجحت داده است) حس کند بخطوی  
بر ای، ای، ای در این فرقی العاد، بصر بیک شده بود و کسان میلائم این انداره رهان  
نمایند، این رهان، و ای، مت بادران و دو قاب ارجو شان رهان میدادند، این شان  
علیهم ای عداد، ای رهان ای ب محاری همانوی همی علی بوده است لاعز

نادی افغانستان از مشاهدات آن همه سوچ و سعف و ونم مفترط اشان نام فدل  
آن ارگان، و فحد دمده در آنها اگر انسان مساعده نماید و ناجراهی  
آدم از اینمار انسان لا عالما در طی دوره ریدل برای تشخیص روی مبتدهد و اورا  
۱۱۰ واری مدد سرف نیماهه مصالحت نمود انسان او حود ازها

بصنعت طُب که متن کارایشان است از بکار الداخلن استعداداً دیپ خود نیز حتماً دست برخواهند داشت، و چون از همان اوفات بمحوجة جوانی ایشانرا بطرز خاصی مفتون افکار و اشعار حافظ و طرز فلسفه او و نوع خیالات او و تصور او از این دلیائی که عاشه در آن زندگی میکنیم بعجا آورده بودم تقریباً پیش یینی میکردم که اولین قدم ایشان در راه هنری ادبی شاید این خواهد بود که گوشه ازین پرده ضمیمه را که از عصر حافظ تا کنون مرروی اوضاع و احوال او و محبطی که وی در آن نحو و نما کرده و تاریخ عصری آن اینچنین وجود خارق العاده را بعمل آورده و ملوث و حکامی که وی در عهد امارات ایشان ظهور نموده و شهرت عالمگیر به مر ساییده افکاره شده است بسیار دارد و تحقیق بیشتری و تفسیع عمیق تری در اینگونه مسائل که همه آن با نهایت اشتیاق باطلانع از آنها مایل است ولی تا کنون کسی کاوشی و بليق مکشف فنای آنها موفق نگردیده و باشاع و تفصیل در این مباحث غوری نگرده و جمیع مدارک ممکنه را درین خصوصها نحو استقصا نفع ننموده ایشان شاید موفق شود که این کار را انجام دهد،

آقای دکتر غانی در آذر ماه ۱۳۰۷ هجری شمسی (نوامبر ۱۹۲۸) از سفر درم خود پاریس با بران مراجعت کرد و بواسطه اشکالاتی که اهالی ایران بعل معلوم البال در این بیست سال اخیر در مکانه ما خارج داشتند تقریباً مکانه ها بین ما منقطع شد و جر ندرة بعضی نامه های سیار مختص احوال درسی و نحو ذلك ما بین ما رسد و بدل نمیشد و من دیگر بطور مستقیم چندان اخلاقی از احوال و اوضاع ایشان بدانشم؛ تا آنکه در او اخر شهر بود ۱۳۱۸ هجری شمسی (او اخر سپتامبر ۱۹۳۹) بواسطه ظهور چنگک در ارونا وصولت اقامت امثال ما خارج بها در آن صفحات اینجا بآز از پاریس بوطن مأوف یعنی طهران معاودت کرد و پس ازده سال انقطاع روابط باز به ملاقات آقای دکتر غانی مخلوط شدم و با توجه برای المعن دیدم که اعلیٰ پیش یینهایشی

که من خودم هزارده سال قبیل در پاریس در حق ایشان مبکردم بعلم الفال علی ماجنی صورت خارجی بخود گرفته و از عالم حبس و سخمن سخیز فعلیت و یقین در آمد و نایاب فطری ایشان بذوقیات اشارا درین مدت آسوده تگدارده و اولین شاخ و مرگ و نمره خود را معلوم آورده است <sup>۱</sup> بحسبین قدمی که هر این راه دیدم ایشان برداشته و بود ترجمه و طبع دو داستان معروف لوسنده مذبور فراسه آنمول فرانس بود که در دهان خوبی نداشت، این ماسعم و ملکی عادی از جمیع این سخاوهای اختراعی این ستواب احتمالاً حواشی و بوسیجهات بسیار مهیب از عهده آن برآمده بودند، ملکی داستان (ملائمه) د او شاعرکار های مشهور بوسنده هر اسوی مربود است و همان دو ایرانی پاریسی همراه ایشان مدارده شده و دیگری داستان (حسان ورشان)، دهون معلم، به نام معلم چشمی دا ۵ دیدم ایشان مذتهاست دست نکار نیمه آن بدهد و ای هنور عالم برسانمده اند همان چیزی است ۵ ساقی، بر مدان اشاره گردید و سالها بود ام، احتمام این عمل را او ایشان داشتم یعنی تحقیق دهنده در آثار واشعار و احوال حافظه و تاریخ کلام، مفصل ممروط فارس و بواحی محاوره در فرن هشتم به قرن حافظه است، ۵، اطلاعات و معلومات و بوسیجهات دیگری ۵ در حضور حافظه میتوان این مدت آورد <sup>۲</sup> وفق ۵ وارد تهران شدم دیدم آقای دلتر عینی سالمان ۵، ام ۵ در ۵ بمع اصم عذرخواه سمع نام کامل دقیق سوده و ظنه مدارل خط <sup>۳</sup>، و حایی احتم این صاحب را ۵ در پاریس دستوری نانها داشتند ایشان نان ایشان دست نمیگذاشت <sup>۴</sup> و دوچادری مستله را ۵ بمحیی ارائه ایشان را برداشت، ما دور نا- اهمیت نهادی داشتیم با این اسب به این داشته باشد حستیخو و بیهوده <sup>۵</sup> و مقدار محدود، ساده ای، نان و روح مفصل ماؤل و حکام معاصر حافظه را در فارس دهیم ای، ۵ ل ای، ایخو و آن معاصر د ای و در ایشان ده مساري ای ایشان ده میگردیم، ای، ۵ و داد ای ای حیثیت داشته باشد متفرقه ۵ حدث نشری از آنها سمع

خاطلی بسیار تایابه میباشد<sup>۱</sup> در یکجا جمع آورده اند<sup>۲</sup> و اغلب قصاید و غزل‌هایی را که حافظت در مدح ملوک و امرا و وزراء مذکور سروده با در آنها اشاره ببعضی از وقایع تاریخی عصر خود نموده همچنین غزل‌هایی که بعضی شعراء معاصر حافظه در استقبال غزل‌های او ساخته اند یا بر عکس غزل‌هایی که خود حافظه باستقبال بعضی شعراء متقدیون یا معاصرین خود انشا نموده جمیع این اشعار و قصاید و غزل‌های را برای اینکه خواننده در هر قدم محتاج برگوی بدو این مختلفه شعراء متفرقه که اغلب دواوین آنها بسیار کمیاب بلکه تایاب است نشود آفای دکتر غنی در این کتاب تمهیثها و کمالها نقل کرده‌اند. و همچنین تاریخ ظهور تصوف در ایران و اصول و منابع آن و تحولات آن و سیر تاریخی آن تا عصر حافظه وبالاخره شرح احوال بسیار مفصل می‌سوط خود حافظرا با تمام جزئیات و تفاصیل و کیفیات آن<sup>۳</sup> جمیع این مواضع را تأثیج که وسیع و مقدور ایشان بوده و از مدارک حاضر در طهران استفاده راجح باها امکان داشته از مدت‌های مديدة باین‌طرف با نهایت صبر و حوصله و پشت کار تحقیق و تدقیق و تتفییق نموده و باد داشتها و مسودات و مواد فوق العاده زیادی در این خصوصها جمع کرده اند که

(۱) از فیل معجم فصیح خوارقی<sup>۴</sup> و تاریخ آل مظفر از حافظ امرو و تاریخ سربازان و اریخ طafa تیمور و تاریخ آل کرت و چهراهای تاریخی هم<sup>۵</sup> از همان مؤلف و تاریخ آل مظفر موسوم به «مواهب الهی» از میمین الدین یردی<sup>۶</sup> و مطلع المعدین هبدالرراق همرقدی<sup>۷</sup> و جامع التواریخ حسی تالیف حسن بن شهاب الدین حسین بن راجح الدین<sup>۸</sup> من یزدی معروف مابن شهاب ذراهی در سنه ۸۵۵ نسخه مورخه ۸۸۰ که یک سعد مخصوص بعروسی از آن در کتابخانه ملی طهران محفوظ است<sup>۹</sup> و دیگر بعضی چنگها و مجامع خطی<sup>۱۰</sup> قدیمی مخصوص فرد ماسد چنگی سیار عظیم الحجم متعلق مذهب آفای حاج سید نصرالله تقوی مد طله<sup>۱۱</sup> الماعلی<sup>۱۲</sup> در حدود ۸۲۳ هجری در شمال بین‌المریئین و ظاهراً در ماردین شوسط شخصی موسوم به «العنی» جمع شده و گویا بخط مؤلف است<sup>۱۳</sup> و چنگ دیگر ۵ نامنام تاج الدین احمد وزیر در سنه ۷۸۲ فراموش آورده شده باین مصی که اغلب فضلا و علمای معاصر او بخواهش او چیری بخط خود در آن چنگ بوثناهند و سمعه مخصوص بفرد آن در کتابخانه بادیه اصفهان معموز است<sup>۱۴</sup> و چنگی دیگر که عمارت است از مشااب یکنی از بوسد گران معاصر آل انتحو موسوم بلال الدین فریدون عکاشه مورخه ۷۸۶ متعلق کتابخانه مجلس شورای ملی طهران<sup>۱۵</sup> و غیره و غیره

پا گشوبس مجموع آن مواد و مسودات نا آنچه که من دیده ام و نخستین میتوالم بزم  
گویا متوجه است از سه هزار صفحه بقطع صفحات کتاب حاضر خواهد شد<sup>۱</sup> و مجموع این  
مباحث و تحقیقات را بطبق طرحی نه قبل از خود نظریم اموده اند خیال دارند  
در تأثیر عجالة در ضمن سه عکاد ده عنوان عام بخوبی آنها «بحث در آثار و افکار و احوال  
حاجات»<sup>۲</sup> خواهد بود و عنوان بخلد اول از آنها (له عبارت است از همین کتاب حاضر  
محله نیست) «تأریخ عصر حافظه با برخی فارس و مصنفات و امالات علایه در قرن هشتم»<sup>۳</sup>  
«عنوان شاهد دوم» «تأریخ اوضاع و احوال علمی و ادبی و اجتماعی عصر حافظه در  
فارس و مصنفات و امالات علایه»<sup>۴</sup> و عنوان بخلد سوم «شرح حمال و زندگانی حافظه  
و بحث در بحث خصوصی اف کار و اشعار او» (ولی عنوان است اه دو اسطله علاوه در دن  
معنی سه ایام و انسانی و متنیات (له خیال دارد بر سه شاهد امسای مذکور البخاری  
نمایند عده بخوبی ملذات و شیع راشتی بخلد بالع (رد) ص ۷۰ سوده و ان داء الله  
اطبع رسانید).

و اگر موافق بادیم می سامد و آقای دلختر نی این شاهزاده تعالی را بهم ناوی  
اون شاهدانه ایل نهاده و فوی در دندند دون هیچ ایل و شهه خدمت رسیار شاهان  
و شاهزاده ایل ایل هارسی عموماً «آنالو افکار و اشعار نه ایله در رهوار قدس الله ره خد  
و او سالی همچو دوستی از و داده ایل گدارده خواهند بود و همچو اخواهان روز افزون  
بی خد و مر» این ناقله بخ شیر را عربی احسان و رهی شد و امینان خود خواهند  
بود و از شاهزاده میگذرد. ذات هی مائیم<sup>۵</sup> و میم ایل شاهدان دیگر این دلایل  
و میم و میم و میم در ایشان آن ایل هر مایاده و سایر دلایل را از هر چیز  
و ایل ایل ایل فرامیم دلایل دیگر دیگر

و ما کم و بیکم نه که باز خود لامرت دست و آن دام آدای دلایل خانی در ته جمع  
ایل ایل ایل باز ملایر ایل دلایل دلایل ایل ایل و میم - ایل و بندایل و بیل و میم  
و ایل میانه دهنی اخرا، دهونه مطیعه و میانه جمع سطور و دهان آدما سرفنا محرف

## پل

با پا کنوس اصلی خودشان بعضی اغلاط و تحریفات واشتباهات جزوی که اغلب اغلاط مطبعی است و بعضی دیگر نیز اغلاط مدارک و مأخذی است که اینسان از آن نقل کرده‌اند در بعضی مواقع این مجلد روای داده است که ان شاء الله همه آنها را در غلطنمایه آخر کتاب تصحیح خواهند نمود تالفع این تألیف اتم و فایده آن اعم کردد و حق این کتاب لفیس که نتیجه زحمات چندین مدت همتادی است ادا شده باشد.

پی‌بیان رسید مقدمه عبد‌العزیز محمد بن عبد‌العزیز قردنی بر مجلد اول از کتاب «بحث در آثار و افکار و احوال حافظ» تألیف دوست فاضل ارجمند خود آقای ذکر قاسم غنی مدظله العالی در روز سه شنبه دهم شهریور هاه سنه هزار و سیصد و بیست و یک هجری شمسی مطابق با هیجدهم شهر شعبان سنه هزار و سیصد و شصت و یک هجری قمری در فرهنگ حصار بوعلی از قرای شیراز، حرمہ طهران -

## مقدمهٔ مؤلف کتاب

مقصود اصلی از این کتاب بحث در آثار و افکار و احوال حافظ است و باین جهت لازم است هه از حیات فردی او و حیات اجتماعی و تاریخ اوساع و احوال سیاسی و ادبی عصر او نیز بحث آنها زیرا افکار و آثار هر کسی ساخته حیات فردی و حیات اجتماعی عصر اوست.

غالباً اشخاص تزدیک بین و آنها می‌گویند بطور سطحی با آثار ادبی پندارند چنان می‌پندارند که تویستنده بر حسب تصادف و اتفاق و بدون علی و شروع معین اثر صنعتی و ادبی وجود نداورد و پنداری شاهکار صنعتی را یک چیز شخصی میدانند و همچنین درونی و شفته‌گی مردم را با ان اثر صنعتی و ادبی امر تابع سلیقه فردی می‌پندارند به عباره اختری امو، بنده عی و ادی را تابع فواین ثابت می‌نمایند بلطفه بقول همیوایت نن چنان می‌پندارند که در حکم مسیه است که بحکم تصادف و اتفاق وزندگ است در حالبله وزئن ایم هم قابع قرار دن و مقرر ای است معن و شیق و ناید نوشید و دقت زرد و آن فواین و مقررات را پیدا کرد.

هر او سنه و هر شابر و بطور کلی هر فردی در هر عصری و بجزئی داشته باشند از آثار آن عصر و آن ۱۵۰ سال و مکانی درون می‌ست ناچه خود او و آثار و افکار با احوال او مطلع نان سلسله عالی هستند که سالماً خود انسان نفوی و سلطه‌ئی در آن عال ندارد معلوم بشه میدنوان دفت هر کت نار بحق حرکت حری ایست هه نایبر اختمار در آن رسماً و محدود است هاین معنی نهادنکال تحمله حیات اجتماعی و حساب افرادی هه جادمه ار آن آنکه نامی نایمه ندار عال و اسیابی است که ارا حیان اسان خارج است.

باره ئی از این های ها عادی هستند و داره ئی معنوی هنلا هوای ایلک شر از چههای آن، نن آناد و مائی دلنشست مصلی در قتل، بهار حر، علی عادی هستند هه دیزه، شن و بجه و در حق حافظه و اعیان او دحالت دارند و هم چن آشتفتگی اوساع

و تحولات زیبایی و گرمنی بازار ریا و اقطاع خیرات و میراث وجہل و خشونت مردم  
همه اینها یا عکس اینها بدون شبیه در الہامات و طرز افکار و آثار شاعر مؤثراند.

علاوه بر اینها عوامل و راثتی نیز بنویه خود بسیار مهم بلکه بزرگترین عوامل است  
با این معنی که صفا و لطف آب و هوا و مناظر زیبای شیرازی شیراز را خواجه حافظ  
نمی‌کند و مشاهده و مطالعه اوضاع و احوال عصر دره را بینته ئی همان تأثیر عجیقی را که  
در شخص حکیم روشن می‌دان و صاحب نظری میدماید بوجود نمی‌آورد بلکه قبول خاطر  
ولطف سخن خداداد است و حافظ شدن موهبتی است که باید از دیوان فطرت رسیده باشد.

حکم تجارب علمی نمی‌توان فردی تصور کرد که مستقل از اینگونه مؤثرات  
زندگانی کرده باشد بقول اهل علم تصادف و اتفاق محال است هر چیزی در دنیا از جهتی  
نتیجه و از جهت دیگر علت است با این معنی که نتیجه علت یا عللی است که مسبوق  
بر آن بوده و مقدمه است برای آثاری که بعد از آن پیدا خواهد شد و اگرچنان بود  
سبب ورباعی بین قدیم و جدید وجود نمیداشت.

در هنر های زیبای هر اثری جزئی است از یک کل "که برای شناختن آن اثر اول  
شناختن آن کل لازم است با این معنی که بیک قطعه شعر یا بیانه بینده تقاضایی یا یک  
مجموعه هر یک از این ها قسمی است از یک مجموعه یعنی مجموعه آثار آن هنر مند  
که مؤلف این اثر است.

واسح است که آثار مختلف یک مؤلف همه با هم خویشاوندی و قرات دارد  
ومانند دختران یک پدر بطور نمایابی شبیه بکدیگرند. هر مؤلفی سبکی خاص خود  
دارد که در همه آثارش سایان است اگر نه اش است ریکی مخصوص کار می‌کند پررنگی  
یا کم رنگی حاصلی را می‌سندد کیفیت مخصوصی بر یک آمیزی میدهد در انتخاب  
سر عشق در طرز ترکیب و در طریقه اجرای کار خود حصوصیاتی دارد اگر نویسنده  
است در انتخاب اشخاص خود در کیفیت مند و سست های قصه خود در طرز ختم داستان  
خود و هم چنین در خود انشاء و استعمال لغات دارای سیله مخصوص بخود میباشد

8

بهین جهت است که اهل خبر و بصیرت آنار ای اعضاى اساقفه را بفرمایه میتوانند  
آنچه مخصوص مدحهند و حتی میتوانند گویند این اثر متعلق بهدام دوره از ادوار حسابی مؤلف  
است و این اواین حسابی است که در پایه اثر هر مؤلفی نام بکار برده شود.

علاوه بر این مجموعه دیگری است که این مؤلف، جزو آن محسوب میشود  
این مجموعه که بزرگتر از مجموعه شخصی آن مؤلف است عبارت است از هاتمی  
۱۴ در کشور و آنکه وفاً آن بوده و این هدایت فردی از آن منانواده محسوب شود  
هملا شناسید ۱۵ در پادشاهی سور حمشود خالقه بوده است این ساده و عادل دستهای  
۱۶ انسان افماده باشدند با گهان مظاهر شده چشم دست مانکه در نظر و در دشوار  
او هرام بود این دیگر بودد این که همان سبک و همان نوع را داشته اند مانند  
پسر و فرزند هاسنگر و هارام و بن جوسون و امثال آنها.

و نهی را صور مسلمانم ۱۶ باش دغاش من چسرو بفرد و من سادعه بوده است ولی  
وفی در این راثت نامه های کاسا های بر، لسل و آنورس و اروڑ و گلان را می باشم  
می پیغم ۱۷ هر ۱۰۰ زنی بک اندام شان بوده اند ۱۸ همه های ذوق را داشته اند  
و دویه های ۱۹ انتقالات ملاهری دلک و چه جمع و هایه الاشترا کی ما هم داریم شایر این  
مرأیه عدالله و روحیه دناری هزار و ده بی لارم است ۲۰ این مجده و عه بزرگ را بعنی  
مله ایان ۲۱ و ۲۲ او را در بطریه مادریم ایر، اسب عدم درم

کار سوئی ۶۹ نامه در آن است که شیخ طهماسبی بعنی امام صاحب و احوال مردم  
حضرت «پاک» اینهدق نزم در برآورده و بمقابل هر موافق و هنر عدی نادوق و  
بلطفه خودم، آن حضر از هفاط معان داردندان و آبدانشی «دویه» ۱۵۰۰ حضر خود  
بوده اند، لیکن این از ادعا دان بوده اند که در ورش حجایه ها را نامه های عمران  
برخواهی اندان برخواهی اند در دندان های غریبی ده و مصالح ۶۹۰۰ آنی

د. آن اما او هر چند شایر دهم داشته باشد هر چند هم در زمانی که هر چند شایر داشته باشد

و نقاشها و شعراًی بزرگ‌هه در آن دوره بظهور رسیدند زیرا در این دوره همه مردم به هنری درجه سور جنگجوئی و دلاوری و جهانگیری و حرارت مذهبی داشتند چنان‌که در تواریخ دیده می‌شود و بسیاری از شعراًی این دوره خود از جنگجویان و پهلوانان این جنگها بوده‌اند.

پس باید برای شناختن هر انری و هر مؤلفی حالت عمومی و ذوق و اخلاق مردم آن سحر را هم در نظر گرفت.

صنایع و آداب با ظهور یک حالت روحی عمومی بظهور می‌آید و با زوال آن زائل می‌شود مثلاً در یونان فن ترازدی در زمان جنگکه با ایران و فتح یونانها پیدا شد و بعد از اثر شکست یونانی‌ها از مقدونیه و احاطه روح حمامی یونان از هیان رفت. وضع نشو و نمای صنایع و آداب مثال نشو و نمای کیاهها تابع محیط است و قدری که از یک منطقه جنوبی اطراف شمال سیر می‌کنند هلا حظه می‌شود که بر حسب اختلاف مناطق چه قدر کیاهها مختلف می‌شوند اول درخت نارنج و پس از آن زیتون و تاک و پس از آن کاج قدری دورتر صنوبر و سرو و بعد کیاهای قطبی هر یک در منطقه مخصوصی و در تحت تأثیر درجه حرارت و دمای خاص می‌روند که محیط طبیعی ناهمده می‌شود

در صنایع و ادوات مز مناطق معنوی شده‌انه مناعل طبیعی هست که هر یک محصول جدا گاهه ای دارد.

بحث در امن موضوع همان است که فلسفه صنایع و آداب<sup>۱</sup> نامیده می‌شود امن بحث همی برا سول «فلسفه ثبوتی» است و در حقیقت عارت است از بکاربردن روش تحریمی در مسائل مربوط صنایع طریقه و تحریمه و تحلیل یک سلسله امور واقعی برای کشف قوانین و روابط آنها.

۱ - اقسام از کتاب «فلسفه صنایع و آداب» همراهیت نس «قاد» معروف فرانسه در هر اوردهم می‌لادی.

## گل

حاصل آنکه تاریخ نویسی با تقدیر ادبی امروز تاچار با اینگونه مطالب مواجه است و کار مورخ و تقدیر کشیده‌های علی و اسباب و یافتن تفاسیر و ارتباط بین مقدمات و متألف است.

بنابراین افکار و آثار و احوال حافظه که موضوع بحث ما است مخصوص و تیجه بلند مسامعه مؤثر است و مقدمات گوئا گون است از قبیل زمان و مکان و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و دین و مذهب و فلسفه و عرفان و علم و صفات بصر حافظه هم بوده هم باشد در اد مؤثر بوده و دو پروردش قریب و بار آوردن سخن فکر و افکار خاص او نفوذ داشته است و تا هم این عوامل راه طالعه و آنکه د از هر یک را بدقست سنجیم همان نیست حافظه را بخوبی بشناسیم و بفرکن او آشنای شویم.

بنابراین مطالب این دلایل و سیاست بحث ندان است با آنچه تا کنون در باره حافظه کشف و توانایی اند تفاوتی داشته باشد زیرا روش بحث ما این است که ذکر شد و هر داه اختلافی مشاهده شود عملت اختلاف در روش بحث است.

البته موافق است که پیدایش این روش در اعصار اخیر تیجه تحولاتی است که در شعر، متون علوم از روان‌شناسی و علوم حسابی و فلسفه و مردم شناسی و علوم اجتماعی و عرصه حاصل شده است و در حقیقت همان روش تجزیی و فلسفه تجزیی است که در تاریخ نویسی و تقدیر ادبی هم نفوذ نافرط است.

نویسنگان یا شیخان در اس قیل مسائل عالی قاصر بوده اند برای اینکه آنها دوده این نرقات عالی زندگی ندارده اند این است که خبده و حمله زیاد دارند بر احوال است که پس احترام علم تا جائیه من بوانند بهمله های تاریخ مباحث آنها را درش دنند

برای روشن ساختن این مطالعه مثال دیگری بعیاد داریم و فقط بخود وسوع حافظه و روزگار می‌باشد همان‌ها در مردم بزرگ بعنوان متفصیل سیاست خواهیم شد

از زمان حیات خود معروف و مشهور شده جماعتی از بزرگان و فضلا و شمراد امرای معاصر باشمار او تمثیل جسته یا بعضی از غزلهای او را استقبال کرده‌اند و روز بروز بین شهرت او افزوده میشده است بطوریکه بفضلله کمی بعد از مرگش جمعی از درستان و علاقه مندان دیوان اشعار او را جمع و مرتب کرده‌اند و گویا تذکره‌ئی هم باشد که کم یا بیش بخشی از او تکرده باشد. شعر او را خواصی و عوام خوانده خرد و بزرگه با آن توجه داشته در دستانها تعلیم نموده و در خانقاہها تفسیر کرده‌اند خودش به « لسان الغیب » ملقب شده و دیوانش فالنامه عمومی گشته و همدم و ایس هر طبقه‌ئی از طبقات سردم شده است چندانکه میتوان گفت با سوادی نیست که حافظ را نشناسد یا خانواده با سوادی که دیوان او را نداشته باشد. غالب خوشنویسان هر عهد دیوان او را نوشته و بسیاری از شعرها از دیوان او استفاده کرده ابیات او را قسمین واستقبال سکرده‌اند.

با وجود این شهرت عظیم به بیشیم نویسندهای دیوان‌ها راجح دار چه گفته و درباره او چه تحقیقی کرده‌اند. از جمله آثاری که از قدما راجح بحافظ برای ما باقی مانده مقدمه‌ئی است که جامع دیوان حافظ که یکی از درستان و معاشرین او بوده بر دیوان اشعارش نوشته و از اینکه دیوان او را جمع کرده متنی بزرگه براها بهاده است ولی چه قدر جای تأسف است که با وجود هم بحسری و رفاقت نااحفظ و اطلاع بر شان تزول اشعارش هیچ اطلاعی در این ناب میدهد تا سهل‌های بعد محال این‌همه تأویل و تفسیر نداشته باشند و حتی اشعاری را که ناظر موقع خاصی است تأویلات عجیبه تکنند مثلًا محمد بن محمد دارایی در کتابی که نام « لطیفه غیبه » در حل مشکلات و شرح معضلات ابیات حافظ نوشته در توضیح این بیت که :

« ماه کنه‌هایی هن مسند هصر آن تو شد وقت آن است که بدرود کنی زهان را » مینویسد. یعنی ای نفس مسند همیر که عمارت از عالم تجرید است که چیزی و ملایوت ولاهوت باشدر نصرف نود آمد نسب بخطی که باعالم دهم رسایده وقت آن است